

## در دشوارترین زمانها، پدر و مادری امیدوار باشیم

وای بر من! زیرا که مثل جمع کردن میوه‌ها و مانند چیدن انگورهایی شده‌ام که نه خوشه‌ای برای خوراک دارد و نه نوبر انجیری که جان من آن را می‌خواهد. مرد متقی از جهان نابود شده و راست‌کردار از میان آدمیان معدوم گردیده است. جمیع ایشان برای خون کمین می‌گذارند و یکدیگر را به دام صید می‌نمایند. دستهای ایشان برای شرارت چالاک است. رییس طلب می‌کند و داور رشوه می‌خواهد و مرد بزرگ به هوای نفسی خود تکلم می‌نماید. پس ایشان آن را به هم می‌بافند. نیکوترین ایشان مثل خار می‌باشد و راست‌کردار ایشان از خاربست بدتر. روز پاسبانانت و روز عقوبت تو رسیده است. الان اضطراب ایشان خواهد بود.

بر یار خود اعتماد مدار و بر دوست خالص خویش توکل منما و در دهان خود را از هم‌آغوشی خود نگاه دار. زیرا که پسر پدر را افتضاح می‌کند و دختر با مادر خود و عروس با خارسوی خویش مقاومت می‌نمایند و دشمنان شخص اهل خانه او می‌باشند.

اما من به سوی یهوه نگرانم و برای خدای نجات خود انتظار می‌کشم و خدای من مرا اجابت خواهد نمود. ای دشمن من، بر من شادی منما، زیرا اگرچه بیفتم خواهم برخاست و اگرچه در تاریکی بنشینم یهوه نور من خواهد بود. غضب یهوه را متحمل خواهم شد، زیرا به او گناه ورزیده‌ام تا او دعوی مرا فیصل کند و داوری مرا به‌جا آورد. پس مرا به روشنایی بیرون خواهد آورد و عدالت او را مشاهده خواهم نمود. دشمنم این را خواهد دید و خجالت او را خواهد پوشانید، زیرا به من می‌گوید: «یهوه خدای تو کجا است؟» چشمانم بر او خواهد نگریست و او الان مثل گِلِ کوچه‌ها پایمال خواهد شد.

در روز بنا نمودن دیوارهایت، در آن روز، شریعت دور خواهد شد. در آن روز، از آشور و از شهرهای مصر و از مصر تا نهر فرات و از دریا تا دریا و از کوه تا کوه نزد تو خواهند آمد و زمین به سبب ساکنانش، به جهت نتیجه اعمالشان، ویران خواهد شد.

قوم خود را به عصای خویش شبانی کن و گوسفندان میراث خود را که در جنگل و در میان کرم‌ل، به تنهایی، ساکن می‌باشند. ایشان مثل ایام سابق در باشان و جلعاد بچرند.

مثل ایامی که از مصر بیرون آمدی، کارهای عجیب به او نشان خواهم داد. امتهای چون این را بینند از تمامی توانایی خویش خجل خواهند شد و دست بر دهان خواهند گذاشت و گوشه‌های ایشان کر خواهد شد. مثل مار خاک را خواهند لیسید و مانند حشرات زمین از سوراخهای خود با لرزه بیرون خواهند آمد و به سوی یهوه خدای ما با خوف خواهند آمد و از تو خواهند ترسید.

کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمزد و از تقصیر بقیه میراث خویش درمی‌گذرد. او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد، زیرا رحمت را دوست می‌دارد. او باز رجوع کرده، بر ما رحمت خواهد نمود و عصیان ما را پایمال خواهد کرد و تو جمیع گناهان ایشان را به عمقهای دریا خواهی انداخت. امانت را برای یعقوب و رأفت را برای ابراهیم به‌جا خواهی آورد، چنان که در ایام سلف برای پدران ما قسم خوردی.

برای این پیغام، چنین عنوانی را برگزیده‌ام: «در دشوارترین زمانها، پدر و مادری امیدوار باشیم.» صاحب فرزند شدن و به ثمر رساندنش همواره دشوار است. آنچه پیدایش فصل ۳ بدان اشاره می‌کند این است که به مجرد آنکه گناه پا به جهان گذاشت بچه‌دار شدن و به ثمر رساندنش کاری بس دشوار گردید. خداوند به حوا فرمود: «آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم. با آلم، فرزندان خواهی زایید» (پیدایش ۱۶:۳). آن‌گاه که آدم و حوا دو پسرشان را به ثمر رساندند، یکی از آنها دیگری را کشت.

## تنها راه آزاد شدن

در نتیجه رویداد پیدایش فصل ۳، اکنون، گناه بر دنیا و بر هر پدر و مادر و فرزندی حکمرانی می‌کند و چنین پیامدهایی در پی دارد: گناه انسانها را نابود می‌کند. گناه خانواده‌ها را نابود می‌کند. مشکل اصلی دنیا قدرت گناهی است که در آن ساکن می‌باشد. گناه قدرت است. گناه نیرو است. گناه نقصان است. گناه انحراف است. گناه فساد است در روح و جان انسانها. گناه مجموعه‌ای از گزینشهای اختیاری نیست. گناه اسارت قدرتمندی است که آزادی انسانها را نابود می‌سازد.

حال آنکه، تنها راه آزاد شدن انسانها و آزاد شدن والدین و فرزندان این است که از روح خدا دوباره تولد یابند، به عیسی مسیح چون منجی‌شان ایمان آورند، خالق جهان هستی گناهشان را ببخشد و ایشان روح‌القدس را در مقام یگانه قدرتی که بر ضد قدرت گناه است پذیرا شوند. این راه تنها امید برای جهان و برای والدین و فرزندان است و همواره در همه اعصار نیز تنها امید بوده است.

## پدر بودن و مادر بودن همواره دشوار است

صاحب فرزند شدن و به ثمر رساندنش همواره دشوار است. دشوار است بتوان کودکی را تربیت نمود که وقتی به بلوغ می‌رسند افرادی فروتن، بامحبت، صالح، مبتکر، و خلاق گردند و اشخاصی باشند که مسیح را برافرازند. پدر بودن و مادر بودن همواره دشوار است. اما زمانهایی وجود دارند که دشوارتر از زمانهای دیگرند، که این دشوار بودن می‌تواند به موقعیت شخصی یا اجتماعی شما بستگی داشته باشد.

اکنون، می‌خواهم شما والدین را یاری رسانم که در بدترین شرایط نیز امیدوار باشید. منظورم از شرایط بد هم در خانه است هم در اجتماع. در ضمن، کسانی هم که صاحب فرزند نیستند می‌توانند از این گفته‌هایم بهره‌برند، چرا که طریق امیدوار بودن در دشوارترین زمانها برای همه یکسان است و تنها فرقی این است که هر یک به دلایلی متفاوت باید امیدوار باشیم.

## میکاه نبی

میکاه، نبی یهودی‌تبار، در دوران سلطنت یوتام، آحاز، و حزقیا، پادشاهان یهودا (میکاه ۱:۱)، و در سالهای ۷۵۰ تا ۶۸۷ پیش از میلاد، کلام خدا را اعلام می‌نمود. میکاه ۸:۳ دلیل به صحنه آمدن میکاه را به روشن‌ترین شکل شرح می‌دهد:

و لیکن من از قوت روح یهوه و از انصاف و توانایی مملو شده‌ام تا یعقوب را از عصیان او و اسراییل را از گناهش خبر دهم.

## اعلام داوری و رحمت

خدا انبیا را فرستاد تا مردم را صریح و روشن با گناهشان روبه‌رو سازند. آن انبیا، در کنار رویارویی مردم با گناهشان، داوری و رحمت را نیز اعلام می‌نمودند. این قاعده کلی در سراسر کتاب مقدس است: داوری و رحمت، داوری و رحمت. خدا قدوس و عادل است و انسان گناهکار را داوری می‌کند و خدا رحیم و بردبار و پر از شفقت است و انسان گناهکار را از داوری خود رهایی می‌بخشد. میکاه در آیه ۱۰:۴ این نکته را روشن می‌سازد:

ای دختر صهیون، مثل زنی که می‌زاید، درد زه کشیده وضع حمل نما، زیرا که الان از شهر بیرون رفته، در صحرا خواهی نشست و به بابل رفته، در آنجا رهایی خواهی یافت و در آنجا، یهوه تو را از دست دشمنانت رهایی خواهد داد.

خداوند قوم اسراییل را به منظور داوری نمودن به بابل می‌فرستاد. ولی، به سبب رحمتش، ایشان را دوباره به سرزمینشان بازمی‌گرداند.

## مجازات در راه است

میکاه در فصل ۷ به والدینی اشاره می‌کند که در دشوارترین زمانها قرار دارند – دشوارترین زمانها هم در خانه هم در اجتماع. آیه ۱: «وای بر من! زیرا که مثل جمع کردن میوه‌ها و مانند چیدن انگورهایی شده‌ام که نه خوشه‌ای برای خوراک دارد و نه نوبر انجیری که جان من آن را می‌خواهد.» شاید منظور میکاه این است که دیگر چیزی برای خوردن نداشته است، اما گمان من این است که او در اینجا به صورت نمادین سخن می‌گوید و منظورش بی‌نصیب بودن از دوستان و همنشینان خداشناس است، چرا که در آیات ۲-۳ چنین ادامه می‌دهد: «مرد متقی از جهان نابود شده و راست‌کردار از میان آدمیان معدوم گردیده است. جمیع ایشان برای خون کمین می‌گذارند و یکدیگر را به دام صید می‌نمایند. دستهای ایشان برای شرارت چالاک است. رییس طلب می‌کند و داور رشوه می‌خواهد و مرد بزرگ به هوای نَفْسِ خود تکلم می‌نماید. پس ایشان آن را به هم می‌بافند.» رهبران فاسدند. آنها توطئه می‌چینند («می‌بافند») که تا جایی که بتوانند با زبردستی شرارت ورزند.

آیه ۴: «نیکوترین ایشان مثل خار می‌باشد و راست‌کردار ایشان از خارِ بسُت بدتر.» اگر میکاه سعی می‌کرد به نزد آنها رود، با او ضدیت می‌کردند. «روز پاسبانان و روز عقوبت تو رسیده است. الان اضطراب ایشان خواهد بود.» پس آن دیده‌بانی که گماشته شده است تا آمدن دشمن را نظاره‌گر باشد روزش به زودی فرا خواهد رسید. مجازات در راه است.

## حتی همسر و فرزندان

حال، میکاه از اجتماع به کوی و برزن و خانواده می‌رسد. آیه ۵: «بر یار خود اعتماد مدار و بر دوست خالص خویش توکل منما و در دهان خود را از هم‌آغوش خود نگاه دار.» به بیان دیگر، گناه و فساد و فریب آن‌چنان فراگیر است که باید مراقب باشید مبدا حتی همسران – «هم‌آغوشان» به شما خیانت کند.

سپس به فرزندان می‌رسد. آیه ۶: «زیرا که پسر پدر را افتضاح می‌کند و دختر با مادر خود و عروس با خارسوی خویش مقاومت می‌نمایند و دشمنانِ شخص اهل خانه او می‌باشند.» در این تصویر، پنج نفر حضور دارند. پدر و مادر، پسر و دختر، و عروس. پس پسر متأهل است. میکاه پیش از این گفته بود که بین زن و شوهر اعتمادی وجود ندارد («در دهان خود را از هم‌آغوش خود نگاه دار»). حال، می‌گوید پسر نیز بر ضد پدرش برمی‌خیزد و دختر بر ضد مادرش و عروس، به جانبداری از دختر، بر ضد مادر قد علم می‌کند. میکاه حتی ایشان را دشمنان شخص می‌نامد: انتهای آیه ۶: «دشمنانِ شخص اهل خانه او می‌باشند.» میکاه به طور خاص به پسران اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد که دختران دشمنی خویش را بر همسر مرد متمرکز داشته‌اند. اما مرد نیز آن دشمنی را احساس می‌کند.

این حقایق دل را می‌شکنند. برخی از شما دقیقاً در چنین شرایطی به سر می‌برید. این همان دشوارترین زمانها است. اجتماع فاسد است و زندگی مشترک و خانواده دچار بحران هستند. میکاه فصل ۷ چنین بحرانی را به تصویر می‌کشد. این تصویر برای برخی از شما تصویر امروزتان است و برای برخی دیگر تصویر فردایتان.

## آیا عیسی سب این ضدیت است؟

پیش از آنکه توجه شما را به امیدی جلب نمایم که میکاه در این شرایط وعده می‌دهد، می‌خواهم تصویری را که عیسی از این خانواده توصیف شده در آیه ۶ ارائه می‌دهد مشاهده نمایید. به انجیل متی ۱۰:۳۴-۳۶ مراجعه کنید. عیسی در اینجا تأثیر آمدنش را شرح می‌دهد: «گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم. نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را [سپس از میکاه ۷:۶ وام می‌گیرد]. زیرا که آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم و دشمنانِ شخص اهل خانه او خواهند بود.»

در اینجا نیز همان پنج نفر وجود دارند و به همان دشمنان در خانه اشاره می‌شود، اما در اینجا تفاوتی بارز وجود دارد. عیسی می‌فرماید که او سبب این ضدیت است. آیه ۳۵: «آمده‌ام تا مرد را از پدر خود . . . جدا سازم.» البته که منظور عیسی این نیست که می‌خواهد خانواده‌ها را متلاشی کند، بلکه منظورش این است که وقتی انسانها را از اساس و بنیان به شاگردی می‌خواند، این خواندگی رابطه‌ها را بر هم می‌زند، چرا که یکی ایماندار است و دیگری ایماندار نیست. پدر پیرو عیسی است، حال آنکه، پسر از او پیروی نمی‌کند. یا پسر پیرو عیسی است، ولی پدر از او پیروی نمی‌کند. یا دختر پیرو عیسی است و مادر از او پیروی نمی‌کند.

### چرا به عیسی اشاره می‌شود؟

دلیل اینکه در این تصویر به عیسی اشاره می‌شود، اول از همه، بیان این نکته است که از هم گسیختگی خانواده، که در روزگار میکاه شاهد هستیم، لزوماً فقط به خاطر فساد در خانواده نیست، بلکه راستی و عدالت در خانواده نیز می‌تواند دلیل از هم گسیختگی خانواده باشد. همه چیز به آرامی پیش می‌رود تا اینکه یک نفر از اعضای خانواده خدا، عهد خدا، و کلام خدا را جدی می‌گیرد و آن هنگام است که تهمتها روانه می‌شوند: «حالا که مذهبی شدی فکر می‌کنی از همه بهتری! همه چیز رو به راه بود، اما حالا می‌گویی بقیه ما هم باید اصلاح شویم!»

و دلیل دیگری که به عیسی و نقل قولش از میکاه اشاره می‌شود بیان این نکته است که روزگار میکاه روزگار خاص و منحصر به فردی نبود. در قرن هشتم پیش از میلاد، این ضدیت را شاهد هستیم، در قرن اول میلادی، این ضدیت را شاهد هستیم و در قرن بیست و یکم نیز این ضدیت همچنان به قوت خود باقی است. حتی، اگر برای شما چنین نباشد، همواره کسی وجود خواهد داشت که دشوارترین زمانها را تجربه می‌نماید.

پس میکاه دربارهٔ اینکه در دشوارترین زمانها پدر و مادری امیدوار باشیم چه می‌گوید؟

### میکاه می‌گوید: شهامتی همراه با دلشکستگی

من گمان می‌کنم میکاه خودش را چون نمادی از یک پدر و نمادی از قوم اسرائیل توصیف می‌نماید و خود را کسی معرفی می‌کند که با وجود دلشکستگی باشهامت است. این اصل مطلبی است که می‌خواهم با شما در میان بگذارم تا در دشوارترین زمانها پدر و مادری امیدوار باشید. دلشکسته اما باشهامت باشید تا بتوانید در دشوارترین زمانها پدر و مادری امیدوار گردید. برای اینکه منظور من را از به کار بردن واژگان «دلشکستگی» و «باشهامت» متوجه شوید، باید این پرسش را مطرح کنیم که میکاه برای چه دلشکسته بود؟ و بر چه اساسی می‌توانست این قدر باشهامت باشد؟ به آیات ۷-۹ مراجعه می‌کنیم تا پاسخ این دو پرسش را بیابیم. میکاه برای چه دلشکسته بود؟ و چگونه می‌توانست این قدر باشهامت باشد؟

### نه به عدالتِ خویش

در ادامهٔ آیه ۶: «دشمنانِ شخص اهل خانهٔ او می‌باشند» میکاه چنین می‌گوید: «اما من به سوی بیهوش نگرانم و برای خدای نجاتِ خود انتظار می‌کشم و خدای من مرا اجابت خواهد نمود» (آیه ۷). بنابراین، در دشوارترین زمانها، ما به خداوند می‌نگریم. ما به جای دیگر هم نگرینسته‌ایم، اما نگاهمان هیچ ثمری نداشته و هر راهی با شکست مواجه شده است. ما می‌پنداشتیم که شاید بتوانیم از خانواده شروع کنیم. شاید بتوانیم فرزندانمان را در اختیار بگیریم تا آنها را به هر سو که خودمان می‌خواهیم هدایت کنیم. شاید به کمک کتابهایی مناسب دربارهٔ ازدواج، اعتماد عمیق متقابل، احترام، تحسین و تمجید، و مهر و محبت بتوانیم آنها را در اختیار بگیریم. اما اکنون فقط به خداوند می‌نگریم.

اما دقت کنید. آیا میکاه با تکیه بر عدالتِ خودش به خداوند می‌نگریست؟ البته می‌شود شخصی با تکیه بر عدالتِ خویش به خداوند بنگرد. اما آیا میکاه چنین می‌گوید: «من هر کاری را که درست است انجام دادم، همهٔ آنچه را که یک پدر باید انجام دهد به‌جا آوردم. اگر

این خانواده آن‌طور که باید پیش نمی‌رود دلم می‌شکند، اما مشکل از من نیست، مشکل از آنها است.» آیا نگرش این مرد چنین است؟ خیر، چنین نیست و امیدوارم نگرش شما نیز چنین نباشد.

### به ما گناه شده است، اما بر گناه خودمان نیز آگاه هستیم

به آنچه میکاه در آیات ۸ و ۹ می‌گوید توجه کنید. به شهامت و شکستگی‌اش توجه کنید. چرا شکسته است؟

ای دشمن من، بر من شادی منما، زیرا اگرچه بیفتم خواهم برخاست و اگرچه در تاریکی بنشینم یهوه نور من خواهد بود. غضب یهوه را متحمل خواهم شد، زیرا به او گناه ورزیده‌ام تا او دعوی مرا فیصل کند و داوری مرا به‌جا آورد. پس مرا به روشنایی بیرون خواهد آورد و عدالت او را مشاهده خواهم نمود.

از آنچه ابتدای آیه ۹ می‌فرماید غافل نشوید: «غضب یهوه را متحمل خواهم شد، زیرا به او گناه ورزیده‌ام.» بسیار مهم است که هر دو شریک زندگی و والدین به این نکته توجه کنند، چرا که میکاه این جملات را در شرایطی بر زبان می‌آورد که در واقع به وی گناه شده است. او در آیه ۸ به دشمنش (شاید به پسر یا همسرش) چنین می‌گوید: «ای دشمن من، بر من شادی منما.» پیروزی‌ات را به زخم مکش! و در میانه آیه ۹ می‌گوید که خداوند دعوی مرا اقامه نموده است و داوری را برای من، نه به ضد من، به اجرا درمی‌آورد. «مرا به روشنایی بیرون خواهد آورد و عدالت او را مشاهده خواهم نمود.»

به بیان دیگر، میکاه می‌داند که به او گناه شده است. او می‌داند که به ناحق اتهاماتی به او نسبت داده‌اند. او می‌داند که خدا با او است نه به ضد او. خدا او را از تاریکی به نور خواهد آورد. خدا از او رفع اتهام می‌کند. او در این اطمینان و در این ادعا با شهامت، با شهامتی بس حیرت‌آور، قدم برمی‌دارد. با این حال، برای اینکه غضب خداوند و تاریکی را که در آن قرار دارد توضیح دهد، توجه خود را به گناهش معطوف می‌دارد. «غضب یهوه را متحمل خواهم شد، زیرا به او گناه ورزیده‌ام.»

### چرا این همه دلشکستگی؟

حال، به این پرسش، پاسخ می‌دهم: چرا او دلشکسته است؟ دلشکستگی وی در اصل به این سبب نیست که خانواده‌اش به او گناه ورزیده‌اند، بلکه او به سبب گناه خودش دلشکسته است. والدینی که می‌خواهند در دشوارترین زمانها پدر و مادری امیدوار باشند باید که دلشکسته اما باشهامت باشند. این دلشکستگی، اول از همه، به خاطر گناه شخصی است و در درجه دوم به سبب گناهی که به ایشان شده است. این جنگی عظیم است که با آن روبه‌رو هستیم. آیا ما به فیض خدا به چنین فروتنی می‌رسیم که قادرمان سازد تا خود و خانواده‌مان را به این شکل ببینیم؟

### چگونه این قدر باشهامت؟

پرسش دوم: اگر میکاه مرتکب گناه شده است، چگونه می‌تواند این همه شهامت داشته باشد؟ وقتی در ذهن خودش گناهش آن قدر آشکار و برجسته است، چطور می‌تواند این‌گونه سخن گوید؟ این شهامت از کجا می‌آید؟ «ای دشمن من، بر من شادی منما، زیرا اگرچه بیفتم خواهم برخاست . . . خدا داوری مرا به‌جا می‌آورد. پس مرا به روشنایی بیرون خواهد آورد و عدالت او را مشاهده خواهم نمود.»

انتهای فصل ۷ این پرسش را پاسخ داده است. این واقعیت که پاسخ به این پرسش آخرین مطلبی است که در کل کتاب میکاه عنوان شده و بر آن این‌گونه تأکید گشته است نشان می‌دهد که این مقوله در این کتاب و در واقع در کل کتاب مقدس تا چه اندازه از اهمیت برخوردار است. آیات ۱۸-۱۹:

کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمزد و از تقصیر بقیه میراث خویش درمی‌گذرد. او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد، زیرا رحمت را دوست می‌دارد. او باز رجوع کرده، بر ما رحمت خواهد نمود و عصیان ما را پایمال خواهد کرد و تو جمیع گناهان ایشان را به عمقهای دریا خواهی انداخت.

چون میکاه خدا را می‌شناسد، در اوج دلشکستگی، چنین باشهامت است. او می‌داند که خدا به چه دلیل واقعاً عالی و بی‌همتا است. «کیست خدایی مثل تو؟» یعنی خدایی مانند تو وجود ندارد. طریقه‌های تو برتر از طریقه‌های ما است. طریقه‌های تو برتر از همه خدایان این دنیا است و آن چیزی که تو را بی‌نظیر و بی‌همتا می‌سازد چیست؟ بی‌همتایی‌ات از این‌رو است که گناهان را می‌بخشی و از خطایای قومت می‌گذری. این همان منحصر به فرد بودن است که فقط خاص خدای کتاب مقدس است، چرا که هیچ خدای دیگری وجود ندارد.

### عمیق شدن در بخشش خدا

پس شما در دشوارترین زمانها چگونه پدر و مادری امیدوار می‌مانید؟ وقتی در خانواده‌تان سه نفر بر ضد دو نفر یا دو نفر بر ضد سه نفر می‌جنگند، چگونه با امید پیش می‌روید؟ شما در آن هنگام به خداوند می‌نگرید. شما به درگاه خداوند ندا سر می‌دهید (آیه ۷) و در حالی که عمیقاً به دو چیز معتقدید نزد خداوند می‌آیید و ندا سر می‌دهید که گناهکارید و لایق این نیستید که خدا کاری برایتان انجام دهد. ما والدینی کامل و بی‌نقص نبوده‌ایم. ما گناه کرده‌ایم، حال آنکه، نادان و ساده‌لوح نیستیم. می‌دانیم که به ما هم گناه شده است و نفس ما فقط می‌خواهد بر این موضوع تمرکز کند، اما فقط روح‌القدس قادر است ما را متوجه گناهانمان سازد. فقط روح‌القدس قادر است کاری کند تا ما گناهکار بودنمان را احساس کنیم. این اعتقادی راسخ است.

و باور دیگران این است که خدایی مانند خدای ما وجود ندارد، خدایی که گناهان را می‌بخشد و از خطایا می‌گذرد و خشمش فروکش می‌کند و مسرور است از اینکه پایدار و مستحکم محبت ورزد. ما به این حقایق اعتقاد راسخ داریم، همان‌طور که این را نیز باور داریم که به همسر خود و به فرزندان خود و بالاتر از همه به خدا گناه کرده‌ایم. آیا متوجه هستید که این دو اصل چقدر مهم هستند و چطور در راستای یکدیگر عمل می‌کنند؟ یکی موجب می‌شود که عمق دیگری را احساس کنیم. اگر به گناه و تقصیر خود واقف نباشید، نمی‌توانید بخشش خدا را عمیقاً درک نمایید. عکس این اصل نیز صادق است و در خانواده‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد: اگر به عمق بخشش خدا پی نبرید، عمق گناه خودتان را درک نخواهید کرد.

این دو اعتقاد راسخ شهامتی همراه با دلشکستگی به بار می‌آورد و موجب می‌شود که در دشوارترین زمانها پدر و مادری امیدوار باشیم. ما هم برای گناه خودمان و هم برای گناهی که به ما می‌شود می‌شکنیم، ولی باشهامت هستیم، زیرا «کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمزد!»

### این شهامت همراه با دلشکستگی، در عیسی، شدت می‌یابد

برای مسیحیان، شناخت عیسی مسیح و کاری که برای ما به روی صلیب انجام داد زمینه‌ساز این دو نگرش است و آنها را شدت می‌بخشد. برای میکاه، عیسی فقط یک امید بود که در فصل ۵ بدان اشاره می‌کند: «تو ای بیت‌لحم . . . از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من، اسرائیل، حکمرانی خواهد نمود . . . او خواهد ایستاد و در قوت یهوه گله خود را خواهد چرانید» (میکاه ۲:۵، ۴). این شبان نیکو جانش را برای گوسفندان نهاد (یوحنا ۱۱:۱۰) و زمانی که جان داد، ما عظمت گناهانمان (که مستلزم آن رنج عظیم بود) و عزم عظیم خدا در بخشیدن گناهان را واضح‌تر از همیشه به چشم دیدیم و از این جهت است که آن دلشکستگی و آن شهامت شدت می‌یابند.

بنابراین، اگر والدینی هستید که در دشوارترین زمانها به سر می‌برید یا اگر می‌خواهید برای دشوارترین زمانها آماده گردید و یا صرفاً کسی هستید که می‌خواهید در دشوارترین زمانها امیدوار باشید، به میکاه و به عیسی بنگرید و از این نگرش برخوردار شوید: به خاطر گناهان

دلشکسته باشید و به خاطر مسیح باشهامت باشید. آن‌گاه، با قدرت روح‌القدس، اگرچه کامل نیستید، از صمیم قلب بخواهید که به خاطر عیسی بهترین والدین باشید.

جان پای‌پر

[www.MahfeleEnjil.com](http://www.MahfeleEnjil.com)